

LIBRARY OF CONGRESS



0 040 055 093 1

inauguration	افتتاح	mutinous	سَرکَش
intrigue	تحريك	fearless	بى باک
to take possession	تصاحب کردن	evil	شَرّ
suitable	مناسب	spiritual conditions	روحیات
legitimate	شرعی	education	تعلیم و تربیت
competition	رقابت	logic	منطق
buffer	پوشالی	to exile, banish	تبعید کردن
using	اعمال	tyranny	استبداد
absolute	مطلق	to encourage	تشویق کردن
cholera	وبا	constitutional	مشروطه
chief	سر دار	advisor	مستشار
Commander-in-Chief	فرمانده کل قوا	"Coup d e tat"	کودتا
dissolved, closed	منحل	allies	متفقین

fort	دژ men	رجال
philosophy	فلسفه death	فوت
coronation	تاجگذاری fight	نزاع
happenstances	وقایع illegal, illegitimate	نامشروع
incident	واقعه arguments	مشاجره و منازعه
current, prevalent	متداول to suppose	فرض کردن
current, circulating	رایج viceroy	نایب السلطنه
final, definite	قطعی guardian, tutor	قیم
lustre, glitter	رونق temporary	موقتی
territory	قلمرو egotistic	خودخواه
contentment	قناعت sign, aim	نشانه
fight	جدال description	شرح
chaos, confusion	هرج و مرج lengthy, detailed	مفصل
description	وصف to be established	تاسیس شدن
artillery	توپخانه to take root	ریشه دواندن
infantry	پیاده نظام opponent	حریف
cavalry	سواره نظام competitor	رقیب
prepared	آماده defeated	مغلوب
Portugese	پرتقالیها Euphrates	فرات
decline	زوال end	خاتمه
downfall	زوال a successor	جانشین
shameful	ذنگین tail, continuation	دنباله
Peacock Throne	تخت طاوس style	سبک
gems, jewels	جواهر conquest	کشورگشائی
wishing	خواستار shaky	متزلزل
member	عضو grudge, enmity	کینه

revolution	انقلاب superior	سرآمد
riot	اغتشاش origin	مبدأ
background	زمینه victory	فتح
interference	دخالت chivalry	جوانمردی
tax	مالیات matchless	بی نظیر
delinquent	عقب افتار extent	وسعت
political affairs	امور سیاسی tribe	قبیله (ج - قبایل)
spoil, booty	غنیمت to decide	تصمیم گرفتن
peace	صلح help	پشتیبانی
to recognize	به رسمیت شناختن superiority	برتری
owner	مالك chance	فرصت
riot, revolt	سركشي ancient Persian for "governor"	ساتراپ
talent	سليقه drawn, led to	منجر
taste	ذوق murder	قتل
painter, artist	نقاش weak	ضعیف
writer	نویسنده they were not able to do that	کاری از دستشان ساخته نبود
poet	شاعر (ج - شعرا) influence	نفوذ
civilization	تمدن bloodthirsty	خونخوار
opinions	نظریات bloodshed	خونریزی
appearance	ظهور oath	سوگند
fact, reality	حقیقت to cause to flow	جاری کردن
extraordinary	خارق العاده to flow	جاری شدن
united	متحد torn, broken	گسیخته
bravery	شهامت united, joined	پیوسته
fundamental	اساسی independent	مستقل
adult	بالغ domination	تسلط

to appropriate	income	عایدی
deputy, representative	area	مَسَاحَت
guild, branch	square	مَرَّج
tribe, clan	to estimate	تَخْمِين زَدَن
to investigate	constitution	قانون اساسی
budget	head, chief	سَر گَر دِه
job, business	governor, chief	فَر ما نَفَر ما
position of deputy	order	حَکَم
candidate	base, principal	أَصْل
punishment	rules	قَاعِدِه
deprivation of legal immunity	law	قانون
vote of confidence	religion	دین
to select	to issue, export	صَادِر کَر دَن
branch, department	chief, boss	رَئِيس
follower	to see fit	صَالِح دِيدَن
temple	to execute (ج - معابد)	عَمَلُو کَر دَن
race	anyhow	خُلَاصَه
intention	difference	اِخْتِلَاف
to migrate	discussion	صُحْبَت ، بَحْث
residential	blindly	چِشْم بَسْتِه
group, crowd	to obey	اِطَاعَت کَر دَن
next to	to take steps	اِقْدَام کَر دَن
to revolt	successful	مَوْفَق
to defeat	to force	مَجْبُور کَر دَن
combination, mixture	Parliament	مَجْلِس شُورایِ مَلِی
powerful	purpose	مَقْصُود

vegetation	طولانی	lengthy گیاهان
to add	ادامه داشتن	to be continued افزودن
kind	قَلّه	peak نوع (ج) انواع
oak	دو باره	again بلوط
pistachio	وصل شدن	to become connected پسته
moderate	تقریباً	approximately معتدل
olive	برجستگی	projection, bump زیتون
sparsely	سرچشمه	source, spring تك تك
product	سرچشمه گرفتن	to spring from محصول (ج) محصولات
method, manner	سرحد	boundary طرز
method, way	آبیاری	irrigation روش
elementary	سدبندی کردن	to build dams ابتدائی
rice	کویر	salt desert برنج
opium	زراعت	agriculture تریاک
cotton	برف	snow پنبه
main, primary	کوهستانی	mountainous عمده
wine	حوالی	vicinity, شراب
silk	وزیدن	to blow ابریشم
wool	بخار (ج) بخارات	steam پشم
wheat	مطلوب	desirable گندم
importance	رطوبت	moisture اهمیت
worth of mention	آب و هوا	climate قابل ذکر
discord	برودت	coldness نفاق
rich	خفه کننده	suffocating زرخیز
source	وجود	existence منبع (ج) منابع
capital, asset	جیره	ration سرمایه

coal	زغالِ سَنَك	art, craft, industry	صَنَعَت
plentiful	فَرَاوان	poverty	فَقْر
unfortunately	مُتَسِفَانِه	public	عَمُومِي
amount	مِقْدَار	utilization, profit	اِسْتِفَادِه
deposit	تِه نَشِسْتِه	substances	مَوَادِّ
gypsum	سَنَكِ كِچ	substance	مَادِه
sulphur	كُوكُرِد	expensive, precious	گَرَانِبِهَا
considerable	مُعْتَبَاه	hidden, concealed	نَهْفَتِه
consumption	مَصْرَف	deprived	مَحْرُوم
kind, sort	قَبِيل	direction, side	جَهَت
ruby	يَا قُوت	mine	مَعْدَن
turquoise	فِيرُوزِه	rich	مُتَمَوِّل
ochre, ruddle	اَخْرَا	region, territory	سَرَزَمِين
shores	سَوَاحِل	to be found	يَا فِت شُدَن
shore	سَاحِل	to consist of	عِبَارَت بُوَدَن
profitable	بَا مَنفَعَت	gold	طَلَا
natural	طَبِيعِي	silver	نُقْرِه
plateau	فَلَات	lead	سُرَب
from the point of	اَز حَيْث	copper	مِس
height	اِرْتِفَاع	zinc	رُوي
other	سَايِر	tin	قَلَع
neighbor	هَمْسَايِه	mercury	جِيُوِه
lands	اَرَاضِي	nickel	نِيكِل
land, earth	اَرْض	iron	اَهَن
level, surface	سَطْح	manganese	مَنْگَنَز
bowl	كَا سِه	antimony	اَنْتِيْمُوَان

VOCABULARY

such	چنین	boundaries, limits	حد و حد
to appear, seem	بِنَظَر ر سیدن	boundary, limit	حدّ
shallow	کَم عَمق	state, country	کشور
to cover	پهو شانیدن	ancient, old	باستان
belonging	مَتَعَلِق	expression	اصطلاح
middle, mediocre	مَتَوَسِط	East	خاور
glacier, ice pit	یخچال	middle	میانه
snow	بَرَف	country	مملکت
to be formed	تَشکیل	limited	محدود
beginning	شروع	Caspian Sea	بحر خزر
deserts	صحاری	to be located	قرار داشتن
desert	صحرا	gulf, bay	خلیج
reason, cause	دلیل	embrace	آغوش
proof	اثبات	finally, eventually	بالاخره ^{بل آخ}
claim	ادعا	point, dot, spot	نقطه
economics	اقتصاد	sight, view	نظر
economics	اقتصادی	point of view	نقطه نظر
means, tools	وسایل	Geology	زمین شناسی
mean, tool	وسیله	era, reign	دوره
mechanical	مکانیکی	genesis, beginning	پیدایش
recent, new	جدید	to become hard	سخت شدن
rare, scarce	گمیا ب	fossil	فسیل
scarcity	گمیابی	center	مرکز
machine	ماشین	vicinity, neighborhaod	نزدیکی

رضاخان سردار سپه چند ماه بعد سید ضیا را از ایران تبعید کرد و خود شریک نخست وزیر شد و در ضمن، وزیر جنگ، سردار سپه، فرمانده کل قوا و خیلی چیزهای دیگر هم بود. احمد شاه هم که قدرتی از خود نداشت و اغلب مریض بود، بیشتر اوقاتش را در اروپا میگذراند.

بالاخره در سال ۱۹۲۵ مجلس شورای ملی سلسله قاجاریه را منحل و رضاخان را بشاهی تعیین کرد و در سال بعد رضاخان به اسم رضا شاه رسماً پادشاه ایران شد و سلسله پهلوی را تشکیل داد.

رضا شاه اصلاحات زیادی در داخل کشور کرد ولی ضررهای زیادی هم به ملت وارد آورد. بالاخره در سال ۱۹۴۱ تقریباً پس از هفده سال دیکتاتوری از ایران تبعید شد و پسرش محمد رضا شاه (شاه فعلی) بجای او پادشاه ایران شد.

خاتمه

را هم بگیرند و با هند و ستان همسایه شوند ، انگلیسها که هند و ستان را مال
 شرعی خودشان میدانستند ، هر چه میتوانستند سعی میکردند که ایران بدست
 روسها نیفتد و در نتیجه کشور ایران سر زمین رقابت بین این دو دولت قوی
 شده بود ، هر کدام سعی میکردند هر قدر میتوانند در تمام ایران نفوذ
 داشته باشند ، در حقیقت ایران را تبدیل به يك دولت پوشالی کرده بودند ،
 وقتی روس و انگلیس از سیاست بازی و اعمال نفوذ در ایران قدری خسته
 شدند ، آمدند و با هم قرار دادی بستند که هر کدام منطقه نفوذ خود را در ایران
 داشته باشند و بمنطقه نفوذ دیگری کاری نداشته باشند ، به این منظور در ماه
 اوت ۱۹۰۷ ایران را بسه منطقه تقسیم کردند ؛ يك منطقه شمالی که فقط روسها در
 آن نفوذ مطلق داشته باشند و يك منطقه جنوبی که فقط میدان نفوذ انگلیسها باشد
 و يك منطقه باریک هم در وسط که هیچکدام از این دو دولت در آنجا نفوذی
 نداشته باشند ، ایران در زمان احمد شاه هم با وجودیکه مجلس شورا داشت ،
 بواسطه نفوذ دول خارجی و جنگ بین المللی روز به روز ضعیف تر و بیچاره تر
 میشد و به طرف نیستی میرفت ، بعد از خاتمه ^{جنگ} دنیا اوضاع ایران خیلی خراب و
 بد بود ، قحطی ، وبا و ناخوشیهای دیگر میلیون ها مردم را میکشت ، دولت
 به اندازه ای ضعیف بود که نمیتوانست در داخل ایران نظم و آرامش
 برقرار کند ، در اوایل سال ۱۹۲۰ بلشویکها که همان نقشه سابق تزاری
 را میخواستند تعقیب کنند ، به ایران حمله کردند و بندر انزلی (بعدا پهلوی)
 و شهر رشت را گرفتند و در ۲۵ اوت همین سال جمهوری شوروی رشت را
 تشکیل دادند ولی بزودی سر بازان ایرانی که بغرم قزاق های روسی لباس
 میپوشیدند به ریاست سر هنگ رضاخان به آنها حمله کردند و آنها را شکست
 دادند ،
 بعد از آن سر هنگ رضاخان با قوای کوچکی که داشت بتهران حمله کرد
 و با کمک سید ضیا مدیر يك روز نامه دست راست کودتا کرد ، در کابینه ای
 که تشکیل دادند ، سید ضیا ، نخست وزیر و رضاخان هم وزیر جنگ و سردار
 سپه شد ،

این کار پایه و بنیانی برای تعلیم و تربیت امر و زه ایران شد .
در اواخر سلطنت طولانی (۱۸۹۶ - ۱۸۴۸) ناصرالدین شاه مردم از
شاه و دولت ناراضی و از اوضاع خراب کشور به تنگ آمده بودند و قصد شورش
داشتند . یکی از این ناراضیها به اسم رضا کرمانی ناصرالدین شاه را با گلوله
بقتل رساند و در نتیجه راه امید برای مردم باز شد .
بدبختانه مظفرالدین شاه پسر ناصرالدین شاه هم شاه خوبی نبود و
نمیتوانست کاری برای مردم بکند . از این جهت مردم شورش کردند و او را
مجبور کردند که با تاسیس مجلس شورای ملی و تشکیل یک حکومت مشروطه موافقت
کند . مظفرالدین شاه ناچار در تاریخ اوت ۱۹۰۶ قانون اساسی را امضا کرد
و اولین دوره مجلس شورای ملی افتتاح شد .
مظفرالدین شاه چند ماه بعد یعنی در ژانویه ۱۹۰۷ مرد و تاخ و تخت
ایران به پسرش محمد علی شاه رسید . با وجودیکه این پادشاه در زمانی که
ولیعهد بود ، قانون اساسی را امضا کرده بود ، ولی بتحرک روسها و کسانیکه
با مجلس شورای ملی مخالفت داشتند ، خواست مجلس را ببندد و چون نمایندگان
مجلس و سایر آزادیخواهان شدیداً مقاومت کردند دستور داد مجلس را بمباران
کنند و بعد عده ای از روسای آزادیخواهان و نمایندگان را یاکشت و یا
تبعید کرد . این عمل شاه مردم را بیشتر عصبانی کرد و در تمام کشور بین
قوای دولتی و قوای ملی جنگ خونینی در گرفت و طولی نکشید که قوای دولت
در همه جا شکست خورد و در ماه ژوئیه ۱۹۰۹ محمد علی شاه گرفتار و تبعید
شد و پسرش احمد شاه که بیش از یازده سال نداشت ، پادشاه ایران شد .
از وقتیکه انگلیسها هندوستان را صاحب شدند ، دولتهای مقتدر دیگری
مثل فوآنسویها ، آلمانها و روسها ، بفکر افتادند که هندوستان را از چنگ
انگلیسها بیرون بیاورند و خودشان آنرا تصاحب کنند . روسها که از دیگران
به هندوستان نزدیکتر بودند ، خود را مناسبتر برای اینکار میدیدند و
برای رسیدن به هندوستان از هیچ اقدامی فروگذار نمیکردند و به همین
مقصود بود که قفقاز و ترکستان را گرفته بودند و منتظر فرصت بودند که ایران

بعد از محمد شاه ناصرالدین میرزا شاه شد . در زمان او روسها تقریباً تمام نقاط شمال را تصرف کردند و شاه را مجبور کردند که بالاخره حدود جدیدی برای کشور ایران معین کند . این تعیین حدود کاملاً به ضرر ایران تمام شد و ضمناً خطر آن هم میرفت که خراسان نیز به دست روسها بیفتد .

انگلیسها نیز از جنوب و جنوب شرقی ، ایران را مجبور کردند سرحدی در ایالت بلوچستان برای خودش معین کند . ترکها هم بایران زور آوردند که حدود کشور خودشان را با ایران هرچه زودتر معلوم کنند . از این بعد سرحدات ایران امروز تقریباً معین شد .

ناصرالدین شاه خدمات فرهنگی زیادی به ایران کرد و در زمان سلطنت او ایران توانست قدری استراحت کند و به کارهای فرهنگی بیشتری بپردازد . اگرچه سرحدات ایران کوچکتر شده بود و ایران کشوری تقریباً شکست خورده بود ، ولی صلح داخلی و راحتی عمومی ، کمک زیادی به افکار و روحیات ایرانیان کرد .

بیشتر تعلیم و تربیت در ایران تا زمان ناصرالدین شاه به سبک و روش قدیم اجرا میشد . مدارس عموماً با یک نفر معلم اداره میشد و کلاسهای درس در دوره های ابتدائی در مکتب خانه ها یا خانه های شخصی معلمین انجام میگرفت . دوره های عالی بیشتر فلسفه و منطق و قوانین مذهبی و علوم دینی بود و آنها را دانشجویان در مساجد بزرگ از علمای دینی می آموختند .

ناصرالدین شاه بعد از سفری که به اروپا کرد و به ایران برگشت رونق تازه ای به روش تعلیم و تربیت در ایران داد و سبک تعلیم و تربیت فرانسه را به ایران معرفی کرد . به فرمان او اولین مدرسه ایران به شکل و روش تازه در تهران به اسم دارالفنون درست شد . در زمان این شاه برای اولین بار محصلین ایرانی به اروپا فرستاده شدند و برای آموختن علوم و ادبیات فرنگ زحمت زیادی کشیدند .

آقا محمد خان قاجار بعد از تصرف خراسان و آذربایجان روس تا تغلیس پیش رفت و بالاخره سر تا سر ایران را تصرف کرد و تهران را پایتخت ساخت . بعد از سه سال خونخواری و ظلم بالاخره دو نفر از نوکرهایش او را به قتل رساندند و مردم را از شرش خلاص کردند .

بعد از آقا محمد خان ، فتحعلی میرزا برادرزاده او بتخت نشست . در زمان او سیاست اروپا در آسیا زیاد شد . فرانسویها و انگلیسها در هندوستان رخنه کردند و روسها نیز شروع به گرفتن ایالات قفقاز ایران نمودند . فتحعلیشاه مجبور شد با آنها جنگ کند و بعد از جنگهای شدید بالاخره شکست خورد و ایالات قفقاز را بکلی از دست داد . جنگ او با افغانها برای پس گرفتن هرات نیز بجائی نرسید زیرا نفوذ انگلیسها در افغانستان برای حفظ هندوستان مانع بزرگی در راه پیشرفت لشکر ایران شده بود . ولی فتحعلیشاه ایالات خراسان و سرخس را که از دست رفته بودند پس گرفت و با این عمل آبروی ایران را در آسیا کمی حفظ کرد .

بعد از فتحعلی شاه محمد میرزا نوه او به تخت نشست . محمد شاه برای گرفتن هرات زحمات زیادی کشید و بالاخره هرات را بدست آورد . بعد از فتح هرات انگلیسها که نمیخواستند این شهر بدست ایرانیها بیفتد و دروازه هند در خطر حمله روس باشد ، نورا جنوب ایران را اشغال کردند . دولت را نیز ترساندند که اگر هرات را رها نکند ، ایران را تصرف خواهند کرد . بالاخره ایران مجبور شد در سال ۱۸۵۷ در پاریس قراردادی ببندد که مطابق آن هرات را به افغانها پس بدهد و انگلیسها هم قوایشان را از ایران بیرون ببرند .

و جواهر به ایران آورد .

مدتی گذشت و ناد ر ممالک دیگری را نیز بدست آورد و بالاخره در اثر اشتباهی که کرده و پسرش را کور کرده بود ، دیوانه شد و بزرگان ایران مجبور شدند او را بکشند (۱۷۴۷) .

زندیه

یکی از پسران سرکردگان ایل قاجار که به کمک ناد ر آمده بود بعد از مرگ او لشکری تهیه کرد و سرزمینهای اطراف مازندران را گرفت . یکی دیگر از کسانی که خواستار تخت و تاج ناد ر شد شخصی بود بنام کریم خان از طایفه زند در فارس و بالاخره شخص سومی با اسم آزاد خان افغان که حاکم آذربایجان بود ادعای سلطنت ایران را کرد . این سه نفر از سه گوشه مملکت شروع به سرکشی کردند و طالب تخت و تاج ناد ر شدند . این مسابقه مدتی دوام داشت تا اینکه بالاخره کریم خان بر هر سه غالب شد و صاحب تخت و تاج کشور وسیع ایران گردید (. ۱۷۵۰) .

این تنها عضو خانواده زندیه است که در ایران سلطنت کرد و ایران در زمان او آسایش کاملی پیدا نمود . کریم خان مردی بود عادل و درستکار . در زمان او آبادیهای بسیاری در ایران شد . شهر شیراز پایتخت کریم خان است و " وکیل " لقب اوست چون او هیچوقت خود را شاه نخواند .

بعد از مرگ کریم خان آقا محمد خان قاجار که مردی سرکش و ظالم و بی باک بود بر لطف علی خان زند جانشین کریم خان غالب شد و او را با وضع بسیار بدی کشت و ایران را تصرف کرد (۱۷۹۴) .

او کم این سلسله پراقتدار رو به زوال رفت . روسها از شمال ، افغانها از مشرق و ترکها از مغرب شروع به حمله کردند . بالاخره در سال ۱۷۳۶ این سلسله به دست مردی که " نادر قلی " نام داشت از بین رفت .

افشاریه

شاه طهماسب صفوی که اوضاع را خراب دید از مردی که رئیس ایل افشار بود کمک خواست . نادر قلی که رئیس این ایل بود با پنج هزار نفر از مردانش به کمک شاه آمد و در این ضمن شاه از ایل ترک دیگری که قاجار نام داشت کمک خواست . کم که لشکری درست شد و ارتش ایران به سرگردگی نادر قلی افشار به جنگ با افغانها مشغول شد . افغانها بعد از زد و خورد کمی گریختند و از میدان در رفتند و سرزمینهای ایران دوباره بدست ایران افتاد .

از شمال نادر میخواست با روسها جنگ کند ولی چون پطر کبیر مرده بود ، روسها تصمیم گرفتند که ایالاتی را که از ایران گرفته بودند پس بدهند . در جنگ با ترکها هم ایران فاتح شد و دو مرتبه ایران به مقام اولش برگشت .

چون تمام سرزمینهای ایران دوباره زیر یک بیرق در آمد نادر تصمیم گرفت شاه طهماسب را از شاهی بیندازد و دلیل خوبی هم برای این کار داشت . شاه طهماسب با ترکها قرارداد ننگینی به ضرر ایران بسته بود و این باعث از بین رفتن او شد . نادر قلی بعد از بیرون کردن طهماسب و از بین بردن او و پسرش ، تصمیم گرفت خود را شاه بخواند و چون کسی دیگری نبود که بر ضد او اقدامی کند ، در جلسه بزرگی که از سران لشکر و بزرگان ایران تشکیل شده بود ، همه همزمان نادر را به شاهی قبول کردند (۱۷۳۶) . نادر بعدها به هند و ستان حمله کرد و سرزمینهای شمالی هند را تصرف نمود و تخت طاووس مشهور را با مقدار زیادی طلا

و از این جهت هج و مرج عجیبی بر پا شد . بالاخره پسر کوچکی از خدا بده که یکی از پادشاهان کوچک و موقتی صفوی در خراسان بود ، برخاست و بعد از زد و خورد هائی موفق شد که تاج و تخت را بدست بیاورد و خود را شاه بخواند . سال بعد ترکها دوباره به ایران حمله کردند و قشون ایران را شکست دادند . شاه عباس که گرفتاریهای زیادی در داخل ایران داشت ، وقت جنگ با ترکها را نداشت ، مجبور شد با ترکها صلح کند . در این زمان دو برادر انگلیسی بنام "برادران شرلی" به ایران آمدند و چون وصف شاه عباس را شنیده بودند تصمیم گرفتند با او کمک کنند .

بزرگترین کمک این دو برادر به ایران و به شاه عباس نظم دادن ارتش ایران و معرفی توپخانه بود . با کار فراوان شاه عباس و کاردانی برادران شرلی ، ایران دارای ارتش منظمی شد که عبارت بود از توپخانه ، پیاده نظام و سواره نظام . شاه عباس با بدست آوردن دل روسای قبایل و کوه نشینان ایران توانست مردان آنها را در ارتش خود جای بدهد و لشکری بزرگ و قوی در مدت کمی درست کند . بعد از آنکه لشکر او درست شد و همه چیز حاضر و آماده گردید شاه عباس قرارداد صلح را با ترکها شکست و بعد از جنگهای فراوان آنها را شکست سختی داد و نقاطی را که ایران از دست داده بود پس گرفت . مدتی بعد جزیره هرمز را که در خلیج فارس است ، از پرتغالیها پس گرفت و فرمانفرمای خلیج فارس و دریای عمان شد .

از وقایع خیلی مهم زمان شاه عباس آمدن انگلیسها به ایران است . از آن به بعد انگلیسها مرتباً در خلیج فارس کشتی رانی کردند و شاه عباس توانست با کمک آنها پرتغالیها را بکلی از جزایر خلیج فارس بیرون کند . از آن به بعد انگلیسها روابط خودشان را با ایران شروع کردند و تا بحال ایران نتوانسته است بهیچ وسیله ای روابط مستقیم و غیر مستقیم خود را با آنها قطع کند .

مرگ شاه عباس در سال ۱۶۲۹ دوره بدبختی صفویها را شروع کرد . بعد از

برساند و بالاخره آخرین نفر این خانواده در سال ۱۴۳۴ ایران و سرزمینهای
پدرانش را از دست داد .

صفویان

بین سالهای ۱۴۳۴ و ۱۴۹۹ گروهی دیگر از مغولها و ترکمنها در ایران حکومت کردند
بعد از مدتی مردی که اسمعیل نام داشت و از نواده های خانواده سلطنتی
ترکهای ایران بود ، خود را از نواده های امام نامید و کم کم سلسله ای شروع کرد
که صفویه خوانده شد . در سال ۱۴۹۹ شهر تبریز را تصرف کرد و خود را شاه نامید
این مرد در ایران یک جنبش مذهبی و وطن پرستی ایجاد کرد و مردم نه تنها او را
شاه دانستند بلکه او را " مولی " یا پیشوای دینی نیز تصور کردند و در کمک او از
دادن مال و جان کوتاهی نکردند .

شاه اسمعیل در سالهای بعد از بکهها را در خراسان و مرو شکست داد و این
دشمن ایران را نیز از بین برد ولی خودش بعد از " سلیم " سردار عثمانی (ترکیه
امروز) شکست سختی خورد و پایتختش تبریز بدست ترکها افتاد . شاه اسمعیل از
این امر خیلی نگران شد و بالاخره از غصه مرد و ایرانیان را که بکلی از او مایوس
شده بودند و مسئله امامت را چیز مسخره ای میدانستند ، بی راهنما و رئیس
گذاشت .

بعد از شاه اسمعیل ، پسر او طهماسب به تخت نشست و ترکها در زمان او
نیز حملات سختی به ایران کردند . شاه طهماسب فقط وضعیت دفاعی به خودش
گرفت و بالاخره با ترکها صلح کرد و بعد در سال ۱۵۲۶ مرد .

ایران تا سال ۱۵۸۷ بی پادشاه ماند و هرکسی در پی قدرت میگشت و

در سال ۱۲۲۷ چنگیز مرد و سرزمینهای تصرفیش بین پسرانش تقسیم شد .
قسمت بزرگی از ایران به دست جغتای و قسمت دیگری از آن بدست سایر پسرها
و سرداران مغول افتاد . حاکم ایران در این وقت تولی خان بود . پسرش هلاکو
خان توانست بعد ها ایران را از همه جا بکلی جدا کند و آنرا کشوری جداگانه
برای خود بشناسد .

هلاکو بعد از محکم کردن پایه سلطنتش فوراً شروع به بیرون کردن دولتهای
کوچکی کرد که میخواستند بعد از خوارزمشاهیان کشوری روی خرابه های دولت او
درست کنند . در ضمن ، هلاکو ، اسماعیلیه یا حشیشیون را نیز که به سرکردگی
حسن صباح داشتند گروه خطرناکی میشدند ، شکست داد و بغداد را هم تصرف
کرد . هلاکو توانست سرحدات ایران را از مغرب به مصر و از مشرق به چین و از
شمال به جغتای و از جنوب تا بیزانتین امتداد دهد . کسانی که بعد از هلاکو
آمدند این سلسله را ایلخانی یا ایلخانان نامیدند . پایتخت هلاکو در شهر مراغه
که در ایالت آذربایجان است قرار داشت . هلاکو در سال ۱۲۶۵ مرد و پسرش
بجای او حکومت را در دست گرفت .

بعد از مدتی که این مرد و مردان دیگری از ایلخانان در ایران سلطنت
کردند ، بالاخره دولتشان بدست دو طایفه که چوپانان و جلابیر نام داشتند ، از هم
پاشید و در سال ۱۲۳۵ بکلی از بین رفت .

این حکومتهای کوچک که شماره آنها به پنج میرسد نتوانستند در مقابل
لشکریان تیمور دوام کنند و هر کدام بنوبت شکست خوردند و از میدان سیاست و
حکومت بیرون رفتند . تیمور نیز فتوحات زیادی کرد و سرزمینهای ایران را از دست
ایلات کوچک بیرون آورد . اما مردمان ناراضی ایران او را ناراحت کردند و مغزلهای
شمال ایران نیز همیشه در پی جدال با او بودند . بالاخره بعد از مدتی این
قدرت هم با مرگ تیمور از بین رفت و شاهرخ پسر تیمور نیز نتوانست کار را بجائی

در اواخر دوره سلجوقی مردمانی از خوارزم که خود را شاهان خوارزم میخواندند به ایالات کوچک اطراف خود حمله میکردند . کم کم بعد از مدتی حکومتی تشکیل دادند ولی چون سلجوقیان هنوز قدرت داشتند ، خوارزمیان نمیتوانستند بجائی برسند و فقط به فتوحات و زد و خورد های محلی قناعت میکردند . این شاهان نیز از بازماندگان غلام ترکی هستند به اسم انوشتهکین غزینی (غزنی) که مدت زیادی ملکشاه سلجوقی بود و بعد ها حاکم خوارزم (خیوه) شد . یکی از نواده های این مرد بعد ها شروع به سرکشی بر ضد سلجوقیان کرد و سلطان سنجر او را شکست داد . کمی بعد این مرد دوباره لشکری ترتیب داد و این بار دیگر کسی نتوانست حاکم او را بگیرد و کم کم سرحدات کشورش را در سراسر خوارزم و جند که در کنار رود سیحون بود ادامه داد .

کسانی که بعد از این مرد آمدند سرحدات کشور خوارزم را بزرگتر و بزرگتر کردند و بالاخره آنها به سرتاسر ایران کشاندند و از طرف شمال شرقی به بخارا و بمرقند رفتند و خود را آقا و صاحب غزنین نامیدند .

قدرت این طایفه نیز در سال ۱۲۳۱ بوسیله مغولها تمام شد و چنگیز خان سردار معروف مغول ، جلال الدین ملکشاه را که آخرین پادشاه این سلسله بود شکست داد و دوره کوتاه سلطنت این طایفه نیز به پایان رسید .

حمله مغول

در سالهای آخر قرن دوازده میلادی مردان مغول به سرکردگی چنگیز خان از طرف مشرق به خاکهای آسیای شمالی و غربی حمله ور شدند و پس از شکست خوارزمشاهیان که فرمانفرمای ایران بزرگ بودند به طرف اروپا پیش رفتند و تا اروپای مرکزی و فنلاند را زیر پا گذاشتند .

یکی از غلامان ترك منصور اول از سلسله سامانی که اسمش الپ تکین بود با صاحبش دعوا کرد و از پیش او گریخت و بافغانستان پناه برد . در آنجا قدرتی برای خودش پیدا کرد و بعد از مرگش حکومت کوچکش بدست یکی دیگر از غلامان ترك به اسم سبکتکین افتاد (۹۷۷ میلادی) . این مرد سرسلسله غزنویان است .

سامانیان و تاتارها یا ایلخانان تاتار با هم جنگها و زد و خوردها کردند و هر دو ضعیف شدند و این فرصتی بود برای غزنویان که بر هر دو غالب شوند . این بود که از خانواده غزنویان مردی به اسم محمود لشکری برای جنگ با هر دو حاضر کرد و بعد از مدت کمی شکست سختی برای همیشه بهر دو داد . این مرد لقب "سلطان" را برای خود انتخاب کرد و صاحب خراسان و قسمت‌هایی از ترکستان و سمرقند و مرو و بخارا و شمار غزنی هندوستان شد . محمود در همه جنگ‌هایش تخم اسلام را پراکنده کرد و ادبیات را نیز در ایران رونق داد . شعرا و ادبای بزرگی در زمان او زندگی میکردند . فردوسی یکی از شعرای معروف ایران "شاهنامه" را بدستور محمود به شعر در آورد .

بعد از محمود جانشینانش نتوانستند آنطوری که باید و شاید از حکومت او نگاهداری کنند و در سال ۱۰۵۲ میلادی، قسمتی از هندوستان را که بدست داشتند ، از دست دادند و بالاخره سلجوقیان در سال ۱۰۵۵ تمام قلمرو غزنویان را تصرف کردند و بغداد را نیز بدست آوردند .

سلجوقیان تنها خانواده‌ای هستند که بعد از سامانیان بر همه نقاط ایران حکومت داشتند . قلمرو این پادشاهان از مشرق تا مراکز آسیا و از مغرب تا آسیای کوچک و "بیزانتین" ادامه داشت .

خوارزمیان

ایران آوردند و از این راه نفوذ عجیبی در سرتاسر این سرزمین کردند . بعد ها حکمفرمایان و حکام عرب در ایران برای خود دولتهائی بوجود آوردند و در زیر نفوذ خلفای بغداد ، حکومت نیمه مستقلی تشکیل دادند . یکی از آنها بنام عبد الملك زبان عربی را در ایران متداول کرد و آنرا زبان درباری ایران نمود و پول رایج اعراب را در ایران بکار برد . این وضع ادامه داشت تا اینکه بالاخره حکام عرب در ایران بفکر آن افتادند که از زیر نفوذ خلفای بغداد بیرون بیایند و در این راه زحمتهای بسیاری کشیدند . یکی از اینها مردی بود خراسانی بنام ابو مسلم که میگفت از خانواده ساسانیان است . این مرد با کمک ایرانیانی که تازه اسلام را قبول کرده بودند سردار و حاکم عرب را که در خراسان بود بیرون کرد و بنای خانواده عباسی را گذاشت . از این بعد عباسیان صاحب حکومت ایران و اعراب شدند . هارون الرشید از بزرگترین خلفا و فرمانفرمایان این سلسله است .

بعد از عباسیان خلفای طاهری در ایران سلطنت کردند و پس از آنها با کمک مردی با اسم یعقوب لیث صفار ، خانواده صفاریان فرمانروای بعضی از نقاط ایران شد . ولی در تمام این مدت سلسله صفاری در زیر فرمان قطعی سلسله بزرگتری با اسم سامانیان حکومت میکرد .

سلسله سامانی واقعا تنها سلسله ای بود از ایرانیان و مسلمانانی که از خون عرب نبودند . پادشاهان این خانواده صنعت و ادبیات و شعر را در ایران رواج کامل دادند . در پناه حکومت عادلانه آنها ایران دوباره رونقی گرفت و سری بین سرها بیرون آورد . این سلسله بعد از سیصد و بیست و نه سال سلطنت در سال ۱۲۲۹ میلادی بدست غزنویان شکست خورد و از بین رفت .

سلسله غزنوی و سلجوقی

بود . این مرد بعد ها بدست انوشیروان از بین رفت . محمد پیغمبر اسلام در زمان این پادشاه به دنیا آمد . شطرنج در زمان انوشیروان از هندوستان به ایران آورده شد و بعد به تمام دنیا معرفی گردید . انوشیروان مقدار زیادی از کارها و کشور داریهايش را با مشورت بزرگمهر یا بوزرجمهر حکیم انجام داد . او وزیر انوشیروان و مردی بزرگوار و فیلسوف بود .

ظهور محمد و پیدایش مذهب اسلام بعد از ضعف ایران که مدت صد سال با روم در زد و خورد بود ، باعث شد که عربها را بفرستند تا ایران را بکنند . در سال ۶۳۳ که یزدگرد سوم تاجگذاری کرد ، اولین دسته اعراب وارد خاک ایران شد . کم کم بعد از حمله های پی در پی در سال ۶۳۷ در جنگ قادسیه ایران را شکست دادند و سرنوشت آتیه اس را معلوم کردند .

تا سال ۶۵۰ ، عربها تمام ایران را اشغال کرده و تا بلخ پیش رفته بودند و بالاخره در سال ۶۵۱ سلسله ساسانی را بکلی از بین بردند و صاحب ایران شدند .

پادشاهان مهم این سلسله عبارتند از :

۲۴۱ - ۲۲۴	اردشیر اول
۲۷۲ - ۲۴۱	شاپور اول
۳۷۹ - ۳۱۰	شاپور دوم
۴۸۴ - ۴۵۹	فیروز
۵۷۹ - ۵۳۱	انوشیروان
۶۵۱ - ۶۳۲	یزدگرد سوم

وقایع و حکمرانان ایران بعد از حمله عرب

اعرابی که به ایران حمله کردند ، با خود مذهب اسلام و تمدن عرب را به

دوباره پا برجا کرد . این استقلال در زمان پد رانش قد ری متزلزل شده بود .
در این وقت آرامنه ارمنستان از مذهب زرتشتی دست برداشتند و بوسیله رومیها که
تازه مسیحی شده بودند ، تغییر مذهب دادند . این خود باعث شد که کینه
ایرانیان نسبت به ارمنستان زیاد تر شود .
بامر شاپور ، در همین موقع کتاب اوستا (کتاب مذهبی زرتشتیان) ترجمه
شده و حاضر بود . شاپور فرمان داد که آنها در همه ایران بکار برند و هر کس که
مطابق دستورات آن رفتار نکند تنبیه بشود . این بود که مسیحیان ارمنستان
صدمات سختی از شاپور خوردند و چون رومیها به کمک ارمنیها آمدند ، جنگ مذهبی
بزرگی بین روم و ایران شروع شد . (۳۳۷ میلادی) .

جنگهای بین شاپور و رومیها تا سال ۳۶۳ میلادی طول کشید . شاپور در
اول با وجود شکستهایی که به رومیها میداد ، نمیتوانست سرزمینهای آنها را
تصرف کند ولی بالاخره ژولین از شاپور شکست خورد و بعد از او جانشینش با شاپور
صلح کرد . از این بعد سرزمینهای مسوپوتامیا و دژ نصیبین بدست ایرانیان افتاد .

دیگر از شاهان بزرگ این سلسله خسرو اول یا انوشیروان دادگر را میتوان
اسم برد . (۵۷۹ - ۵۳۱ میلادی) . این شاه یکی از برجسته ترین شاهان
ساسانی است . در زمان او مساوات و عدل بین مردم و خانواده سلطنتی برقرار
شد و آبادیهای زیاد در تمام مملکت پیدا گردید . او نیز جنگهای زیادی با
رومیها کرد و بالاخره سرحدات کشور را تا حدود دریای سیاه رسانید و شهر تیسفون
را در کنار دجله ساخت و آنها پایتخت زمستانی خود ساخت . با آرامنه نیز جنگ
کرد و اعراب یمن را از دست آسوریها نجات داد . یمن از آن بعد در زیر فرمان
ایران درآمد .

در زمان انوشیروان مردی بنام مزدک پیدا شد که رسم و روش کمونیستهای
امروزه را داشت و تامدتی نیز انوشیروان را جلب فلسفه و گفته های خودش کرده

موسس سلسله اشکانیان " اشك اول " است که از سال ۲۵۰ تا ۲۴۷ ق م • سلطنت کرد •

اشك دوم یا تیرداد اول بعد از شکست برادرش بر تخت نشست (۲۴۸)
و خود را اشك دوم نامید •

تمام پادشاهان این دولت بمناسبت اشك اول که بانی دولت پارت بود ،
کلمه اشك را به اسم خود میافزودند • این سلسله مدت پانصد سال از شط فرات
تا کوههای هندوکش را در دست داشت و بالاخره در سال ۲۲۶ میلادی با بلاش
پنجم و اردوان پنجم خاتمه یافت • این را نیز باید گفت که این سلسله از دولت روم
شکست نخورد و همیشه آنها را شکست داد •

سلسله ساسانیان

این امپراطوری بوسیله ارد شیر اول یا ارد شیر با بکان تاسیس و پدید آمد کرد •
طرز حکومت این فرمانروایان بکلی با اشکانیان ، سلوکیها یا جانشینان اسکندر فرق
دارد • روش این مردم دنباله و سبک مملکت داری هخامنشیان است • روابط خارجی
آنها تا مدتی کاملاً محدود بود و غیر از نگاهداری از خودشان و درست کردن
اوضاع داخلی کار مهم دیگری نمیکردند و فقط گاهگاهی قبایل کوچکی را در سرحدات
شکست میدادند و مرزهای ایران را بزرگتر میکردند • بهرام دوم مسوپوتامیا را تسخیر
کرد و چون رومیها ضعیف شده بودند ، با کمال راحتی توانست آن سرزمین را
بدست آورد ولی مرگ ناگهانی او این کشورگشائی را ناتمام گذاشت و سربازان رومی
دوباره آنجا را بدست آوردند •

شاپور دوم در سال ۳۱۰-۳۱۵ سلطنت رسید و استقلال ایران را

سال ۶۴ ق.م. ختم گردید .

این پادشاهان در یونانی کردن مشرق سعی زیادی کردند و شهرهای ساختند و ساکنین یونانی در آنها نشانند . ولی تمام کارهایشان بی فایده ماند و غیر از نشانه ای از آنها در مصر و سوریه اثر دیگری از این تمدن یونانی در هیچ جای شرق دیده نمیشود .

دول دیگری بعد از سلوکی ها در ایران بوجود آمدند که مهمترین آنها عبارتند از :

دول آسیای صغیر ، کاپادوکیه ، پنت کاپادوکی ، دولت پرتگام و پتالاسه

دولت اشکانی

شرح مفصلی در تواریخ ایران از این دوره در دست نیست و یا به دلایل مردم ایران و تاریخ نویسندگان آنها نوشته اند . با آنکه اگر کسی چیزی را صحیح به آن نوشته کم شده و از بین رفته است . بهر صورت تاریخ اشکانیان به سه دوره تقسیم میشود اول - قسمتی است که دولت پارت تاسیس میشود ولی هنوز تمام ایران را شامل نیست در این دوره دولت جوان پارت خود را حاضر میکند و ریشه میدواند و سلوکیها را از ایران بیرون میکند .

دوم - بخشی است که دولت پارت با دولت جهانی روم (دو دولتی هستند که) دنیا آن روزی را در دست دارند . پارت خریف پر زور و رقیب دولت روم است و حتی روم مغلوب نشدن را مرتباً شکست میدهد و به آنطرف فرات میراند .

سوم - قسمت ضعیف شدن این دولت است . دولت پارت رو به ضعف و سستی میگردد تا آنکه بدست اردشیر بابکان ساسانی زوال پیدا میکند .

بعد از مرگ اسکندر علاوه بر نزاعی که بین سرداران او بود داد ، اشخاص دیگری هم فکر سلطنت بسرشان افتاد . یکی از آنها برادرنا مشروع اسکندر بود . دومی مادر اسکندر و سومی خواهر او و چهارمی دختر فیلیپ دوم بود .

بعد از تمام این مشاجرات و منازعات که چند روز طول کشید ، بالاخره دو نفر را برای سلطنت انتخاب کردند . آن دو نفر ، برادرنا مشروع اسکندر و سوری را که فرض میکردند "رکسانه" زن ایرانی اسکندر را خواهد آورد ، بودند . پدیکاس هم که از سرداران اسکندر بود ، نایب السلطنه و قیم دو پادشاه گردید .

سلطنت این دو نفر کاملاً موقتی بود و تا وقتی طول کشید که رکسانه هنوز نژائیده بود . میل عمومی کسان اسکندر را آن بود که پسر اسکندر (اگر بسری از او بد نیا بیاید) پادشاه شود . ولی سرداران خود خواه اسکندر پسر رکسانه را کشتند و این قضیه به خانواده اسکندر و سلسله مقدونیه خاتمه داد .

دولت سلوکیها

سلکوس سردار معروف اسکندر بعد از مرگ او با پدیکاس کمک کرد ولی بعد ها در مصر سبب کشته شدن او شد . کم که بعد از مرگ پدیکاس به خوزستان و ماد رفت و یک به یک این ممالک را بدست آورد . این ترتیب سلطنت سلوکی را در سال ۳۱۲ تا ۳۰۶ م . تأسیس کرد و در ۳۰۶ خود را پادشاه خواند . این شخص بعد از سی و یک سال سلطنت بقتل رسید . بعد از او آنتیاخوس به سلطنت رسید و تقریباً تمام وقتش را صرف نگاهداری و گسترش سرزمین خود کرد .

این دولت بعد از جنگهای بسیار با روم و دولتهای دیگر ، بالاخره در

یونان این خیال به حقیقت مبدل شد و آن حقیقت به حقیقت بزرگتری منجر گردید .
اسکندر که مزدی بود خارق العاده تصمیم گرفت دنیا را با هم متحد کند
و با شهامت عجیبی پس از پس گرفتن شهرهای یونان و آسیای صغیر به سرحدات
ایران حمله کرد و وارد ایران شد .

حمله اسکندر

طرز حمله اسکندر و روش فتح او در اینجا بکلی بی مورد و از بحث ما خارج
است ولی همینقدر میگوئیم که اسکندر بعد از شکست دادن نیروهای ایران و
کشتن داریوش و آتش زدن قصر شاهی ایران خود ش را شاهنشاه ایران خواند .
بعد از آن لباس ایرانیان را پوشید و با رسوم ایران به تخت شاهی نشست .
۳۳۱ ق م .

اسکندر بعد از فتح پایتختهای ایران شروع به حمله اساسی و فتح دنیا
کرد و بنا بر نقشه و تصمیمش میخواست دنیا را یکی کند و زیر یک پرچم
بیاورد . ولی نقشه او بعد از فتح عربستان و برگشتن از هندوستان بهم خورد و
در ۱۳ ژوئن سال ۳۲۳ قبل از میلاد در بابل (بابلین) مرد و نتوانست به
افریقا برود و کارتاژ را هم بگیرد .

حکومت جانشینان اسکندر

هرگز ناگهانی اسکندر و نبودن پسر بالغی از او که بر تخت بنشیند و نیز
وجود عده زیادی از سرداران اسکندر و رجال مقدونی ، که هیچکدام خود را کمتر
از دیگری نمیدانست ، باعث گردید که بعد از فوت اسکندر جنگهای خونین و
طویلی در دولت او روی دهد .

اسپارتیها با کمک داریوش نیز توانستند در سال ۴۰۴ ق.م.آتن را تصرف کنند.

بعد جنگ بین دولت ایران و اسپارتیها بر سر تقسیم غنائم و زمینها و نفوذ سیاسی و اقتصادی بر کشور یونان و آسیای صغیر جنگ شد. دولت ایران مجبور شد با یونانیها صلح کند و با کمک آنها اسپارتیها را شکست بدهد. اسپارتیها بعد از این شکست دولت ایران را به رسمیت شناختند و آنها را مالک و آقای خود دانستند ولی این زد و خورد با یونان و اسپارت و بر عکس فرصت زیادی به قبایل و ساتراپهای ایران داد که بر ضد دولت شورش کنند. ضعف دولت ایران نیز در سالهای بعد معلوم شد. ایران دیگر نتوانست از انقلاب مصر جلوگیری کند و نیز یونانیها دوباره شروع به سرکشی کردند و قبایل ایران هم از داخل این آتش را دامن میزدند.

نفوذ یونان در ایران

ایرانیها بعد از تسلط بر جزایر و شبه جزیره بالکان از فکر و سلیقه و ذوق یونانیها کمکهایی فراوان خواستند و نیز نفوذ خود یونانیها در کشورهای داخل آسیا شروع شده بود. نقاشها، نویسندگان و شعرا و غیره به ایران آمدند و تمدن یونانی را به ایران آوردند. کم کم ایرانیها نیز در کارهای سیاسی نظریات و کمهائی از یونانیها خواستند و آنها را بر سر کارهای بزرگ و عمده گذاشتند و این خود درهای نفوذ یونان و تمدن یونانی را بر ایران باز کرد.

تقریباً صد سال گذشت و یونانیها کم کم بفکر افتادند که چرا باید زیر نفوذ ایران باقی بمانند. این بود که در سال ۳۳۷ ق.م. لشکری تهیه کردند و به آسیای صغیر حمله نمودند. تنها مقصود یونانیها در آن زمان این بود که شاید بتوانند شهرهای خودشان را از ایران پس بگیرند و متأسفانه با ظهور اسکندر در بقیه در صفحه ۱۴ است

و در صحرای ماراتن ایران را شکست دادند . ۴۷۹ - ۴۸۰ .

شکست خشایارشا باعث کوچک شدن و از بین رفتن امپراطوری بزرگ ایران شد . یونانیها طوری در جنگ برتری به ایرانیها نشان دادند که ایرانیها جرات نکردند دوباره به یونان حمله کنند و در مصر نیز نتوانستند جلو شورشیان را بگیرند . ولی یونان هنوز قدرت و جرات حمله بزرگی به ایران را نداشت و منتظر فرصت بود که روزی بتواند این آرزوی دائمی خودش را برآورد .

فساد امپراطوری

کم کم دولت بزرگ هخامنشی ضعیف شد و قدرت حمله را از دست داد و در داخل مملکت آشوبهایی بوسیله ساتراپها برقرار گردید و بالاخره منجر به قتل خشایارشا شد . بعد از او پادشاهان دیگری آمدند که همه ضعیف بودند و کاری از دستشان ساخته نبود . در اواخر کار دو نفر دیگر روی کار آمدند ، یکی بنام داریوش (دوم) که در زیر نفوذ زن خونخوارش خونریزیها کرد و دیگری بنام اردشیر سوم است که سوگند خورده بود روده های خون در ایران جاری کند . با کمک او بالاخره بعضی از قبایل ایران که از هم گسیخته شده بودند دوباره بهم پیوستند . ولی عده زیادی از آن قبایل بکلی مستقل شدند و سرحدات هندوستان و مصر و آسیای صغیر تقریباً پیش از تسلط امپراطوری ایران بر آنها برگشت . اما در زمان داریوش دوم روزن امید ی برای محکم شدن امپراطوری ایران باز شد . انقلابات و اغتشاشات داخلی در یونان ، زمینه را برای دخالت داریوش در آن کشور حاضر نموده بود . این بود که وی دستور داد تا حکمرانان آسیای صغیر مالیاتهای عقب افتاده و پرداخت نشده ایران را از شهرهای زیر تسلط فعلی یونانیها بگیرند و نیز شروع به دخالت در امور سیاسی آن کشور کنند . داریوش با پول و قوا به دولت سپارت کمک فراوان کرد و آنها را به جنگ با یونانیها وادار نمود و

سمرقند یا برد یا ۵۲۱	
داریوش کبیر	۴۸۵ - ۵۲۱
خشایارشا (ه) اول	۴۶۵ - ۴۸۵
ارد شیر اول	۴۲۵ - ۴۶۵
خشایارشا (ه) دوم	۴۲۴ - ۴۲۵
داریوش دوم	۴۰۴ - ۴۲۴
ارد شیر دوم	۳۵۹ - ۴۰۴
ارد شیر سوم	۳۳۸ - ۳۵۹
ارسس	۳۳۶ - ۳۳۸
داریوش سوم	۳۳۰ - ۳۳۶

وقایع مهم امپراطوری هخامنشی

جنگ با یونان -

بر خلاف کوروش و کامبوزیا، داریوش بروسعت مملکت چیزی نیفزود ولی در زمان او قبیله های زیادی از قبایل ایران بهم مربوط شدند و از این جهت دولت مقتدرتری ایجاد کردند.

امپراطوری هخامنشی در آن روز تمام آسیای میانه و شرق نزدیک و آسیای کوچک را در دست داشت و قسمتی از سواحل شمال افریقا و دولت کارتاژ نیز در دست دولت ایران بود. از اینرو خشایارشا نیز تصمیم گرفت که ضرب شستی نیز به یونان نشان بدهد و برای اینکار دولت کارتاژ که یکی از دومینیون های ایران بود با ایران کمک کرد و سربازان ایران و فنیقی از هر طرف به یونان حمله ور شدند. ولی یونانیها که در کشتی رانی و دریانوردی بر ایرانیها و کارتاژیها برتری داشتند از راه دریا جلو حملات ایرانیها را گرفتند و کمانداران و تیراندازان ماهر ایرانی را که در زمین بر یونانیها غلبه کرده بودند بدون کمک و پشتیبانی گذاشتند و در

سیروس تمام نژادها و طوایف مختلف ایران را با هم یکی کرد و از این ترکیب، ایران مقتدر و بزرگی بوجود آورد که از همه جهت سرآمد کشورهای دیگر آنروز شد. مردمان این کشور بیشتر نقاط دوردست دنیای گذشته را در دست گرفتند و بر ملیونها مردم حکمرانی کردند. سیروس اولین سنگ بنای امپراطوری ایران را گذاشت و بعد از او دوران به داریوش رسید.

داریوش، بیشتر اوقات پاهایش را درست در جای پای کوروش میگذاشت و از او امر و دستورها میگرد. این پادشاهان بزرگ پایه مملکت داری و مملکت گیریشان را روی خداپرستی و انسانیت گذاشته بودند و همیشه از خدا کمک میخواستند که آنها را بردشمنان و اهریمنان فاتح گرداند. اهورامزدا خدای بزرگ آنها بود و او بود که مبدأ همه خوبیها بود و او بود که ایرانیها را از همه مردمان دنیا بالاتر برده بود و او بود که به آنها قدرتی داده بود که میتوانستند دنیای آن روز را فتح کنند و آقای همه بشوند.

پادشاهان ایران قدیم مخصوصاً کوروش و داریوش در جوانمردی بی نظیر بوده اند. در جنگها وقتی فاتح میشدند، سرداران شکست خورده را احترام میکردند و بعد از جنگ به آنها کارهایی واگذار مینمودند و به آنها زمین و خانه و پول میدادند و از آنها استئاده کامل میکردند.

سلسله هخامنشیان در سال ۵۵۰ قبل از میلاد مسیح ایجاد شد و آن وقتی است که کوروش بر دولت ماد غالب شد و شاهنشاه بابل گردید. کوروش بین سالهای ۵۲۹ - ۵۵۰ بر ایران حکومت کرد و بنای سلسله هخامنشی را گذاشت.

بعد از کوروش پادشاهان سلسله هخامنشی از قرار زیرند :

کامبیز (کامبوزیا) ۵۲۱ - ۵۲۸

تاریخ ایران

نژاد های قدیمی ایران

از مراکز هندوستان در چندین هزار سال پیش مردمانی قصد مسافرت و کوچیدن به سرزمینهای دیگری را کردند. این باعث شد که سرزمین ایران یکی از نقاط مسکونی این جمعیت گردد.

نژادی که مردمان قدیم و قسمت عمده ای از مردمان امروزی ایران را تشکیل میدهد "هندو اروپائی" است که آنها در زمانهای گذشته از "ان" میگذشتند. این نام در اثر زیرو رو شدن به شکل امروز درآمده و "ایران" نامیده میشود، یعنی سرزمین آریاها.

غیر از ایرانیها که از نژاد آریس هستند، نژادهای دیگری نیز در ایران وجود داشته است. مثلا در بلوچستان ایران در جوار نژاد ایرانی مردمانی را میتوان یافت که از نژاد "براهوی" هستند و مستقیما با نژادهای "دراویدین" در هندوستان مربوط میشوند و بکلی با آریائیها فرق دارند.

امپراطوری هخامنشی

شروع این امپراطوری بزرگ از روزی است که کوروش (سیروس) بر رومایان تسلط شورش و آنها را در بازارگاد شکست داد. رومایان او فرمانفرمایان ایران و از طایفه مدیها بودند. مدتی نگذشت که کوروش مدیها را در عهد ان از بین برد و بجای آن در پارس "فارس" حکومت تازه ای برقرار کرد.

ایران در سال هزار و نهمصد و پنجاه برپا گردید و ایران برای اولین مرتبه دارای
مجلس سنا شد .

مذاهب ایران

تقریباً نود درصد مردم ایران پیرو مذهب اسلام هستند . مذهب اسلام
در ایران به دو شعبه مهم تقسیم میشود که عبارت است از شیعه و سنی . نود و
پنج درصد مسلمانان ایران شیعه و بقیه سنی هستند .

مذاهب دیگر :

پیروان چندین مذهب دیگر نیز در ایران زندگی میکنند . عمده این

مذاهب عبارتند از :

زرتشتیان - این مردم در ایران "گبر" و در هندوستان "پارسی" نامیده میشوند و

بیشتر آنها در تهران و یزد و حوالی کرمان زندگی میکنند .

ارمنی ها - (ارمنه) عمده ارمنه در ایران به صد هزار نفر میرسد . اینها پیرو

مذهب مسیح هستند و محل زندگی آنها در آذربایجان ، اصفهان و تهران

میباشد .

نستوریها ، پرتستانها ، کاتولیکهای روم ، یهودیها و بهائیها

پیروان این مذاهب تقریباً در همه ایران پراکنده اند و کلیساها یا معابد مختلف

آنها در خیلی از نقاط ایران دیده میشود .

انجام نمیداد . این موضوع باعث اختلافات زیادی شد که از بحث ما خارج است .

در سال هزار و نهمصد و پنجاه مردم ایران که از این موضوع خسته شده بودند و چشم بسته از پادشاه اطاعت میکردند ، شروع به داد و فریاد کردند و برای عوض کردن وضع آن روزی مملکت اقداماتی نمودند . بالاخره در سال ۱۹۰۶ موفق شدند که شاه را مجبور کنند تا بناها قانون اساسی بدهد و مجلس شورای ملی را درست کند . مقصود مردم از مجلس شورای ملی آن بود که محلی را اختصاص بدهند که در آن نمایندگان از همه نقاط ، اصناف و دینها و طوایف مختلف ایران که بوسیله مردم انتخاب شده اند حاضر باشند و برای مدت در سال در دوره مجلس خواهد بود به قانونها رسیدگی نمایند ، قانون بگذارند و در دست درست کنند و خلاصه کارهای مملکت را درست بگیرند . عدّه این نمایندگان قرار شد که از مرکز ۶۰ نفر و از بقیه نقاط ایران ۱۰۲ نفر باشد . این عدّه میتواند در صورت لزوم به دو بیست نفر نیز برسد . انتخاب کنندگان نمیتوانند از بیست و پنج سال کمتر داشته باشند و انتخاب شوندگان نباید کمتر از سی سال و بیشتر از هفتاد سال داشته باشند . کسانی که انتخاب میشوند باید دارای سواد خواندن و نوشتن زبان فارسی بوده و نیز دارای اسم خوب و سابقه درست باشند . کسانی که در اوتش و نیروی دریائی و سایر مشاغل دولتی هستند نمیتوانند برای وکالت مجلس شورای ملی کاندید و انتخاب بشوند . کسانی که به وکالت مجلس انتخاب میشوند از مجازات و حبس راکمانند و شهروانی نمیتوانند به هیچ عنوان آنها را توتیف کنند مگر آنکه مجلس از آنها مطلب مصونیت بنماید . این امریه در سال هزار و نهمصد و هفت به وسیله محمد علی شاه قاجار اسطفا شد و در هشتم اکتبر هزار و نهمصد و هفت تقریباً بیست و هفت نفر را بنا بر این امریه ، شاه همیشه نخست وزیر را انتخاب میکند و نخست وزیر و وزرای کابینه اش را برمیگزیند و از مجلس رأی اعتماد میگیرد و بکار مشغول میشود .

فعالان ایران دارای مجلس سنا و مجلس شورای ملی است . مجلس سنا

محصولات زراعتی ایران

چون طرز و روش زراعت در ایران هنوز خیلی ابتدائی است ، این است که آنطوری که باید و شاید از آب و زمین و قوای طبیعی و انسانی استفاده نمیشود ولی با وجود این محصولات ایران تقریباً کفایت احتیاجات داخلی آن کشور را میکند برنج ، ترباک ، پنبه و میوه تازه و خشک از محصولات عمده زراعتی ایرانند ، شراب و ابریشم و پشم و گندم نیز در وجه دوم اهمیت قرار دارند .

سایر محصولات ایران

نفت ایران از همه محصولات ایران مهم تر و قابل ذکر تر است ولی در اثر ایجاد نفاق بین ایران و انگلیس فعلاً از مراکز عمده و زرخیز نفت ایران آن طوری که باید استفاده نمیشود . ماهی گیری در دریای خزر یکی از منابع مهم سرمایه و عایدی ایران است .

مساحت و جمعیت ایران

مساحت ایران ۴۱۳ ، ۶۳۴ میل مربع است و جمعیت آنرا به هفده میلیون تخمین میزنند . این مردم بیشتر به زبان فارسی تکلم میکنند ولی ترکی و ارمنی و کردی و عربی نیز در ایران صحبت میشود . تهران از همه شهرهای ایران پر جمعیت تر است و جمعیت امروز آن به یک میلیون میرسد .

دولت و قانون اساسی

تا سال ۱۹۰۶ دولت ایران فقط در ارای پادشاه بود و پادشاه سرکرد و فرمان فرمای کشور بود . ولی پادشاه در آن روز بیشتر احکامش را روی اصول و قواعد و قانونهای دینی صادر میکرد و هر چه روسای دینی برای او صلاح میدیدند او عملی میکرد . خلاصه پادشاه بدون فرمان و صلاح دید شیخها و بزرگان مذهب کاری

شبهای تابستان در سواحل ایران خیلی گرم و خفگی کنند است و سبب آن نبودن باد و وجود رطوبت زیاد است .

مقدار باران در ایران کم است و بحر سواحل دریای خزر سایر نقاط ایران باران زیادی ندارد . شهر رشت پر باران ترین نقطه ایران است و مقدار متوسط باران سالیانه آن شهر به ۵۶ اینچ میرسد . مقدار باران هر چه به طرف مشرق و بعد بمرکز ایران و جنوب ایران متوجه میشود کمتر میشود . مقدار باران در مرکز ایران به یک اینچ میرسد و باز در سواحل جنوبی و یازده اینچ باران در سال میبارد .

برف در ایران میبارد ولی این بارش در نقاط بلند ایران است . در سایر نقاط ایران که ارتفاعشان از چهار هزار پا کمتر است ممکن است برف بیاید و ممکن است نیاید . ولی ارتفاعات از چهار هزار پا بالا حتماً همه ساله جیره برفشان را میگیرند .

درختان و گیاهان ایران

از سواحل بحر خزر تا ارتفاع سه هزار پا تمام گیاهان و درختان مانند گیاهان و درختان آب و هوای مدیترانه ای است . هر چه با ارتفاع زمین افزود میشود ، گیاهان و درختان شمالی تر میشوند و کم کم به انواع کاج و سرو در ارتفاعات ده و یازده هزار پا میرسند . در کوهها در مشرق ایران درختان بلوط و پسته دیده میشود که متعلق به آب و هوا معتدل و خشک است . زیتون را در رود بارگیلان میکارند ولی گاهی در کوههای مرکزی و جنوبی ایران تک تک بطور طبیعی دیده شده است .

میل (۴۵۰ کیلومتر) به دریای خزر وارد میشود . این رود مقداری از سرحد شمالی ایران را با روسیه تشکیل میدهد و خط سرحدی خوانده میشود .

بغیر از رود مهم کارون که اگر برای آبیاری سد بندی شود استفادۀ زراعتی زیادی برای ایران خواهد داشت ، سایر رود های ایران در بهار و زمستان پر آب است و در سایر ایام سال یا خشک است و یا کم آب . رود کارون به خلیج فارس داخل میشود و از کوه های مرکزی ایران سرچشمه میگیرد و پر آب ترین رود ایران است . رود های دیگر ایران به مرکز ایران و کویرها میروند و غیر از استفادۀ کمی برای زراعت فایده دیگری ندارند .

آب و هوای ایران

بطور کلی ایران دارای آب و هوای خوبی است . زمستانها سرد میشود و برف میبارد و تابستانها در نقاط کوهستانی خوب و ملایم است و در حوالی کویر گرم و خشک میشود . بجز اراضی و سواحل بحر خزر و خلیج فارس سایر نقاط ایران دارای درجه حرارت متوسط هشتاد درجه است . درجه متوسط حرارت سواحل بحر خزر همیشه هفتاد و پنج درجه است زیرا بادهائی که از طرف دریای خزر بطرف جنوب میوزد بخارات آب را به مازندران میاورد و همیشه آنجا را در یک درجه حرارت مطلوبی نگاه میدارد . اگر برای رطوبت فراوان نبود سواحل بحر خزر از خوش آب و هوا ترین نقاط ایران میتوانست باشد .

درجه حرارت در زمینهای بلند ایران در تابستان زیاد و در زمستان خیلی کم است . در تهران درجه حرارت متوسط در ماه ژانویه به ۳۵ فارنهایت میرسد و در حوالی اصفهان برودت به زیر صفر (فارنهایت) هم میرسد .

سیزده هزار پا نیز در آن پیدا میشود . این رشته کوهها را کوههای مرکزی ایران مینامند .

کوههای غربی ایران که تا خلیج فارس ادامه دارد از آن ربايجان شروع میشود و بلندپهائی کردستان و لرستان و خوزستان و بختیاری را تشکیل میدهد و ارتفاع آنها به چهارده و پانزده هزار پا نیز میرسد . دیگر کوههای البرز است که در باره از آن ربايجان و سواحل غربی بحر خزر شروع شده و در تمام شمال ایران ادامه دارد و بعد از خراسان میگردد و به هند و کشور افغانستان و هیمالیا در هندوستان وصل میشود . ارتفاعات این سلسله تا تقریباً نوزده هزار پا در ایران میرسد . در خراسان سلسله کوههای بینالود از مهمترین برجستگیهای این سرزمین است و به ارتفاعات یازده و دوازده هزار پا میرسد .

رودهای ایران

چهار رود مهم است که فقط ایران از آن استفاده میکند و بعد وارد

دریای خزر میشود .

۱ - "سفید رود" که از کردستان ایران سرچشمه میگردد و بطول پانصد میل از

جبال البرز میگردد و به دریای خزر میریزد .

۲ - "هراز" که از بیست و پنج میلی تهران از جایی با اسم قزل کوه سرچشمه

میگیرد و از دره لار میگردد و رود لار نامیده میشود . از لار که گذشت به پای

دماوند رفته و از طرف راست دماوند می پیچد و به آمل میرود و از آنجا به شمال

رفته و به دریای خزر خالی میشود .

۳ - رود گرگان از خراسان سرچشمه میگردد و به طول دویست میل (سیصد و بیست

کیلومتر) به بحر خزر میریزد .

۴ - رود اترک که از قوچان در خراسان سرچشمه میگردد و به طول سیصد

ایران از جهت زمین شناسی و معدن یکی از متمول ترین کشورهای آسیای
میانه یا شرق نزدیک است • مواد ی که در سرزمینها و کوههای ایران یافت میشود
عبارت است از :

طلخه ، نقره ، سرب ، مس ، روی ، قلع ، جیوه ، نیکل ، آهن ، منگنز ،
انقیمونی • ذغال سنگ فراوان نیز در کوههای ایران یافت میشود ولی متأسفانه
جز مقدار کمی ، کسی از آن استفاده نمیکند • بطوری که زمین شناسان و معدن
شناسان دنیا میگویند نفت در همه جای ایران یافت میشود ولی تا با امروز فقط
نفت جنوب ایران مورد استفاده کلی واقع شده است •

ته نشسته های نمک و سنگ گچ و گوگرد در ایران بمقدار معتنا بهی پیدا
میشود ولی بجز استفاده کم داخلی ، بهیچ گونه مصرف دیگری نمیرسد • سنگهای
قیمتی از قبیل یاقوت و فیروزه در خراسان و معدن نمک و اخرا و سنگ آهن در
سواحل خلیج فارس نیز میتوانند از با منفعت ترین معدن ایران باشند •

جغرافیای طبیعی ایران

ایران فلاتی است که از حیث ارتفاع از سایر کشورهای همسایه بلند تر
میباشد • بجز اراضی اطراف دریای خزر و سواحل خلیج فارس و خوزستان ،
سایر زمینهای ایران بطور متوسط چهار هزار پا از سطح دریا ارتفاع دارند •
این ارتفاع از هشت هزار پا و بیشتر تا پانصد پا میرسد • در اطراف این فلات
کوهها و بلند سر به آسمان کشیده است و فلات ایران را مثل کاسه ای ساخته
است • کوههای ایران در بیشتر نقاط از شمال غربی به جنوب شرقی کشیده
شده اند • مهمترین و طولانی ترین رشته کوههای ایران از آنر با بجان شروع
شده و بطول هشتصد میل (۱۲۰۰ کیلومتر) تا بلوچستان ادامه دارد و در
کبیر نقطه ای ارتفاعش از هشت هزار پا کمتر نمیشود و قله هائی از نه هزار تا

حدود ایران

کشور باستانی ایران یکی از کشورهای مغرب آسیاست و باصطلاح امروز یکی از کشورهای خاورمیانه است • این مملکت از شمال محدود است به قفقاز و آذربایجان روس، بحر خزر و ترکستان و ازبکستان روس • کشورهای افغانستان و پاکستان در طرف مشرق این کشور قرار دارند • دریای عمان و خلیج فارس از جنوب ایران را در آغوش دارند و بالاخره ایران امروز از طرف مغرب به عراق عرب و آسیای کوچک یا کشور ترکیه محدود میگردد •

ایران از نقطه نظر زمین شناسی

از دوره های اول پیدایش کوهها و زمینها و سخت شدن قشر زمین در ایران اثری نیست • از خاکها و سنگها و فسیلهائی که در مرکز ایران و نزدیکی اصفهان پیدا شده است چنین بنظر میرسد که مرکز ایران را یک دریای کم عمق پوشانیده بوده است که متعلق بدوره های دوم یا متوسط میباشد • این دوره وقتی است که زمین را آب پوشانیده بوده و یخچالها و برفها هنوز تشکیل نشده بوده است • از شروع این دوره پنجاه میلیون سال گذشته است • صحاری نمک ایران را دلیل خوبی برای اثبات این ادعا میتوان دانست •

زمین شناسی اقتصاد ایران

نبودن و نداشتن وسائل مکانیکی جدید و کمیابی ماشینهای صنعتی و فقر عمومی ایران را از استفادۀ از مواد گرانبهائی که در کوهها و زمینهای ایران نهفته محروم کرده است •

PK6237
2.53
1952

U. S. Army Language School, Monterey, Calif.

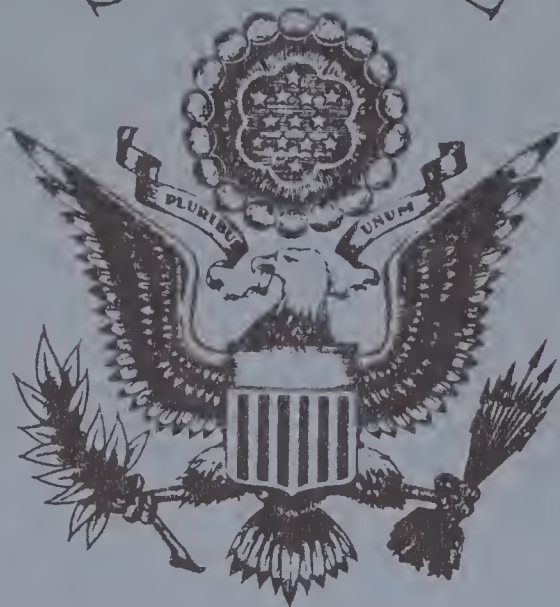
A Short
Geography and History
of
PERSIA

By
Persian Language Department
Hooshang Bahar

August 1952

ARMY LANGUAGE SCHOOL

Handwritten notes and a stamp that says "COPY".



PRESIDIO of MONTEREY, CALIFORNIA

РУССКИЙ

БЪЛГАРСКИ

СРПСКО-ХРВАТСКИ

58-63304

POLSKI

華語

粵語

SHQIP

ČESKY

MAGYAR

ΕΛΛΗΝΙΚΑ

日本語

한국어

TURKÇE

ESPAÑOL

PORTUGUES

SEPTEMBER 1952

FRANÇAIS

فارسی

الجزائري

ROMÂNĂ

SVENSKA

DANSK

NORSK

ITALIANO

PERSIAN
LANGUAGE DEPARTMENT

DEUTSCH